

در سالگرد رحلت مرحوم آیت‌ا... مجتهدی تهرانی چند تن از چهره‌های اخلاق و طریقه

با هم‌مره‌ها

خیرخواه تاکید کرده و به طرق مختلف «قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مک» از گمراهی». درواقع باید گفت ادبیات عرفانی و البته برخاسته از متن مقدس مولوی نیز در مثنوی یادآوری کرده: «بر پیر را بگزین و عین راه دان پیر تابستان و خلقتان تیر ماه خلق مانند شبند و پیر ماه پیر را بگزین که بی‌پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر آن رهی که بارها تورفته‌ای بی‌قلاوز اندر آن آشفته‌ای پس رهی را که ندیدستی توهیج هین مرو تنها ز رهبر سر مپیچ» حالا روشن شد که می‌خواهیم از چه انسان در هیچ حالی از راهنما و مرشد هر مسیری ولو غیرالهی به داشتن راهنما

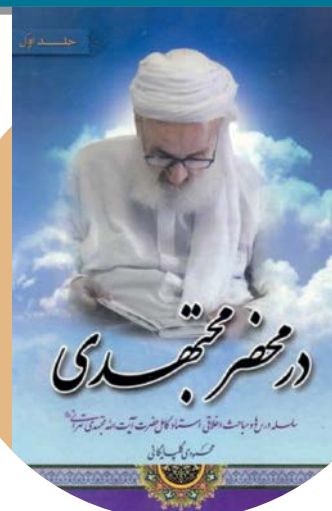
دنبال این بودم که چگونه سخن آغاز کنم و وارد مبحثی شوم که در این شماره قرار است از آن سخن بگوییم. این که بگویم طی طریق و پشت سر گذاشتن موانع برای رسیدن به مقصود به تنهایی نه شدنی است و نه راحت است. مسیری که بالا و پایین بسیاری دارد و گاهی راه از چاه پیدا نیست. گفتن تمام اینها کار راحتی نیست ولی به نظرم آمد بهتر است اجازه دهم حافظ کلام را آغاز کند: «به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید / که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها»، همان‌طور که حافظ می‌گوید برای گذر کردن از منزل‌ها سالکی باید در کنار انسان باشد که از راه و چاه آگاه است و از خطرات راه اطلاع دارد یا جای دیگر می‌گوید: «به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم» می‌بینیم که حافظ درباره اهمیت راهنما داشتن برای پا در مسیر گذاشتن تاکید کرده است. در کلام نورانی معصومین نیز به داشتن راهنما تاکید شده و خداوند نیز بشر را بدون راهنما راهی زمین نکرده است. حافظ بارها در اشعارش بر اهمیت راهنمای

یونس فردوس

روزنامه‌نگار

شیخ شوخ

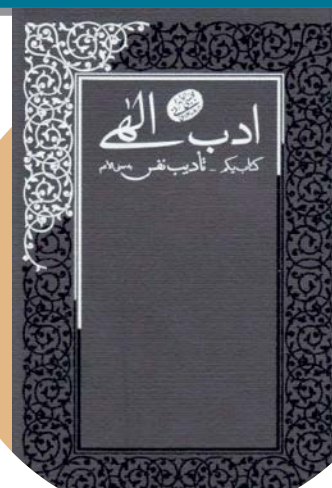
مرحوم شیخ احمد مجتهدی را که این روزها سالگرد درگذشت اوست و ۱۳ سال از عروج او می‌گذرد، با آن لحن شیرین و بیان جذاب که با چاشنی طنز همراه بود در خاطر می‌آوریم. هنوز هم با وجود این که چند سالی از درگذشت این عالم ربانی می‌گذرد، ولی ویدئوهای حاوی مواعظ اخلاقی او که گاهی برای اثرگذاری بیشتر با شوخی و مطالبیه همنشین می‌شود دست به دست می‌شود و کاربران شبکه‌های اجتماعی از آن برای یادآوری و تذکر استفاده می‌کنند. شاید آنهایی که «مسجد آقا» را حوالی چهارراه سیروس ندیده باشند و جلسات مرحوم مجتهدی را درک نکرده‌اند به عمق صفا و خلوص مرحوم مجتهدی که شاگردان بسیاری پای درس او بودند و امروز در حسرت جای خالی استاد هستند، پی نبرند، ولی کتبی مانند «آداب الطلاب» یا «در محضر مجتهدی» عناوینی است که با تلاش شاگردان وی جمع‌آوری شده و در آنها نکات آموزنده با همان لحن و بیان در کنار هم قرار گرفته تا علاقه‌مندان بتوانند از آنها برای خودسازی و سلوک استفاده کنند. همچنین چهار رساله در زمان حیات مرحوم مجتهدی توسط وی تالیف شده بود که احکامی مانند محرم و نامحرم، گناهان کبیره و غیبت در هر رساله به همراه احکام ارث بیان شده بود. رویکرد اخلاقی مرحوم مجتهدی او را تبدیل به یکی از استادان اخلاق کرده بود که «مسجد آقا» را تبدیل به پایگاهی برای افراد از طبقات و طیف‌های گوناگون کرده بود.



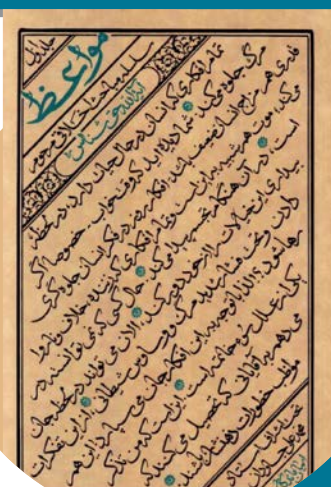
اخلاق در ایران

مرحوم آیت‌ا... حاج آقا مجتبی تهرانی را نسل جوان‌تر نیز به‌خاطر دارند و حتی شاید پای جلسات او در خیابان ایران نیز نشسته باشند. استاد اخلاقی که بسیاری را گرد شمع وجود خود جمع کرده بود که با فوتش جمعیت بسیاری سرگردان شده و در جست‌وجوی مرادی چون او در کوی و برزن افتادند. شب‌های قدر مسجد بازار تهران از خاطر خیلی‌ها نمی‌رود. با همان مدرسه‌ای که در آن نماز مغرب و عشا خوانده می‌شد و سپس مرحوم حاج آقا مجتبی روی صندلی می‌نشست و با همان صدای آرام برای مخاطبان خلاصه‌ای مبحث جلسه قبل می‌گفت و سپس مبحث روز را شروع می‌کرد. در فاصله بین نماز و منبر نیز حاضران با پای در استکان‌های براق پذیرایی می‌شدند. حالا امروز که نسل تازه از این موقعیت بی‌بهره‌اند و از استادی مانند مرحوم تهرانی محروم هستند کتاب او می‌تواند به‌عنوان راهنمای خوبی برای علاقه‌مندان مطرح باشد.

مجموعه «ادب الهی» که در پنج جلد مباحثی مانند تربیت نفس، حیا، مبانی تربیت و... در آنها از درس‌گفتارهای حاج آقا مجتبی طرح شده یکی از آخرین منشورات دفتر آن مرحوم است. «حقیقت بندگی» عنوان یک مجموعه دیگر از مرحوم تهرانی است که در آن از این منظر به بیان راه‌های توجه و رسیدن به منزل حقیقت اشاره کرده‌اند. همچنین مجموعه‌ای با محوریت مرگ و معاد موجود است که با آن بیان ساده و روان درباره این مقولات سخن گفته‌اند. از مرحوم حاج آقا مجتبی تهرانی آثار متعددی در بازار نشر موجود است که هر کدام از زاویه‌ای مسیر بندگی و حرکت در این راه را به خواننده نشان می‌دهد. حتی مرحوم تهرانی آنجا که وارد تاریخ شده نیز از زاویه توسل و اتصال به منبع حق به تاریخ نگریسته و برای مثال اثری با عنوان «فلیک الباکون» دارد که در آن به شیوه توسل اصحاب امام حسین (ع) به درگاه الهی پرداخته است. البته نباید از آثاری که درباره قیام سیدالشهدا (ع) از ایشان موجود است چشم پوشید که باز هم در آنجا زاویه ایشان روایت نوعی سلوک است؛ سلوکی که ایشان از آن با عنوان سلوک عاشورایی یاد می‌کند.



سحرهای ماه رمضان ایشان را قدیمی‌ترها در مجتهدی و در واقع باید گفت سال ۸۶ در محضر بزرگان بسیاری در فقه و اصول و شاید جوان‌ترها کمتر او را به‌خاطر بیابوده باشید، گاهی در حد خیلی کمی ممتاز و برجسته که وقتی به او امری علمی و عملی مناسب بود و علاقه‌ای سلسله مباحث اخلاقی مرحوم حق هر چند شاید کتاب خیلی گویای عظمت می‌خواند برای همین توصیه می‌کنم اگر ح



مرحوم ملا احمد نراقی که در عهد فتحعلی «نخل و نارنج» وحید یامین‌پور را خوانده با عنوان «معراج السعادة» که تکمله‌ای کرده و خواننده را گام به گام در تربیت به شعر فارسی، مسیری برای تربیت راهنمایی می‌کند. این کتاب را باید از فراوان خواننده خود را راهنمایی کند مرحله به مرحله خواننده را با خود در راه وحشت اندازد، ولی بیان شیوا و بیان می‌شود خواننده را در موقعیتی قرار

